

## پیدایش انگور در هرات باستان

شهر تاریخی هرات علاوه بر اینکه مرکز تجمع و معاملات و نشر تمدن و فرهنگ در جهان باستان محسوب می‌شده ، بسوستان خراسان و پیدایشگاه انگورهای خوب و میوه‌های پسندیده نیز بوده است . و به قول حکیم عمر - الخیامی شاعر و دانشمند معروف شرق ، و چندان انگور که به هرات باشد به هیچ شهری و ولایتی نباشد چنان که زیادت ازسدگونه انگور را نام برس زبان بگویند . (۱) حافظ ابرو گوید در هرات « میوه‌های خوب ازهر نوع باشد ، به تخصیص انگور می‌تواند بود که صد نوع انگور باشد که هر یک را نامی علیحده است » (۲) و عروضی سمرقندی در چهار مقاله گوید : انگور در غایت شیرینی رسیده و در سوادهری صدویست لون انگور یافته شود هر یک از دیگری لطیف‌تر و لذیذتر از آن دو نوع است که در هیچ ناحیت ربع مسکون یافته نشود یکی پرنیان و دوم کلنجری ، تنگ پوست و خروتکس ، بسیار آب ، گویی که در او اجزاء ارضی نیست ، از کلنجری خوشه‌ای پنج من و هر دانه پنج درم ( درهم ) سنگ بیاید . سیاه چون قیر و شیرین چون شکر و ازش بسیار بتوان خورد به سبب مالغیتی که در اوست . (۳)

اکنون که فرصت مساعد شد تا درباره انگور و پیدایش آن چیزی نوشته شود لازم است در مورد چگونگی پیدایش این میوه بهشتی که فوائد و مضرات آن بسی زیاد و فراوان است مختصراً پژوهشی بعمل آید تا دیده شود که سوابق و گذشته‌ی این میوه چگونه بوده است .

۱- کلیات آثار رباعیات حکیم عمر الخیامی ، نوروزنامه ، به تصحیح

محمد عباسی ، ص ۳۸۰ .

۲- جغرافیای حافظ ابرو ، تصحیح مایل هروی ، ص ۱۲ .

۳- مجمع النوادر ، ص ۵۰-۵۱ .

در دایرةالمعارف بریتانیکا نوشته شده که تاریخ گذشته انگور به دوران خیلی دور یعنی به آن زمان که انسان پا به جهان گذاشته ، می رسد. تخم انگور و یا دانه و حبه آن در دریاچه سویس یافت شده که گذشته آن به دوران مفرغ تعلق دارد و نیز در مصر باستان این میوه شناخته شده بود . چنانچه جزئیات ، چگونگی کشت و پرورش انگور در نیشته های هیر و گلیفی مصری قرن چهارم قبل از میلاد ( ۲۴۰۰ ق. م ) کشف شده و نیز در انجیل روایت شده که حضرت نوح دستور ساختن باغ انگوری بزرگی را داده و باغستان درست کرده بود . در زمان هومر شاعر معروف یونانی شراب انگوری یکی از نوشیدنی های ضروری روزانه مردم یونان بود . کشت تاک به احتمال قوی در گرد و نواحی دریای مازندران ( دریای خزر ) شروع شده و جنس خوب انگور از همین جا به دست می آمده و به سایر نقاط جهان گسترش یافته است . مخصوصاً در آسیای کوچک و یونان که از آنجا به جزیره سیسیلی برده شد . فنیقی ها در دوران سال ۶۰۰ قبل از میلاد انگور را با خود به فرانسه بردند و رومیان در نواحی اطراف رودخانه راین مقارن قرن دوم بعد از میلاد به کشت انگور پرداختند و مطابق به شواهدی که در دست است آنان بودند که انگور را با خود به انگلستان نیز منتقل کردند . با گسترش جهان آن زمان جهت غرب ، انگور از طریق هندوستان به شرق برده شد و با تصرف مناطق جدید به توسط استعمار یون غرب ، انگور هم در آن مناطق که آب و هوای آن برای کشت انگور مناسب و مساعد بود ، کشت شد .

انگور درخت بالارونده از نوع ویتیس *Vitis* است و مهمترین جنس آن مویارز *Vitis Vinifera* است که از دورانهای بسیار قدیم کاشته شده است و در انجیل نیز از آن یاد شده . (۱)

در زخیر است که آدم و حوا اول چیزی که در بهشت تناول کردند انگور بود لاجرم در عیش و نشاط افتادند و آخر آنچه خوردند گندم است و ناچار درهای غم و غصه بر روی روزگار خود گشادند. از اینجا است که گفته اند انگور سبب شادی و راحت است و گندم مایه اندوه و محنت . (۲)

۱- دایرةالمعارف بریتانیکا، ص ۶۸۸ ، ج ۱۰ ، چاپ سال ۱۹۷۰.

۲- لغت نامه دهخدا ، ص ۴۵۴ .

انگور برای ساختن شراب و تهیه کشمش به کار می رود و در نواحی مرطوب نوع انگور دارای شیرینی زیاد نیست و بیشتر برای تهیه شراب از آن استفاده می شود. ولی در نواحی خشک و معتدل مانند قسمت های مرتفع ایران و بخش مهم از ولایات هرات و قندهار و نواحی شمالی کابل در کشور افغانستان بر حسب نوع خاک، تنوع آن بیشتر و کشمش آن بهتر می شود. نکته جالب درباره انگور اینست که از آن مایع نوشیدنی بنام شراب ساخته می شود که تأثیر آن جهانی را ویران و یا برعکس مشکلی را گره گشا می شود.

راجع به مضرات و صدمات روحی و جسمانی ناشی از شراب انگوری هر قدر قلم فرسائی شود کم است همینقدر یادآوری می شود که نخستین قربانی آن را می توان همان حضرت آدم و حوا دانست که با خوردن انگور در بهشت « تاج شرف و افسر جلال از سر ایشان در افتاد و حلال و حله بهشت از بدن ایشان بریخت » و آنان که « سلطان دارالملک بهشت بودند مجبور به ترك آنجا شدند. » (۱)

گفتیم که هرات از حیث داشتن آب و هوای متناسب محل خوبی برای کشت و پرورش انگور در جهان باستان محسوب می شده است و روایتی هم موجود است که بیانگر این نکته می باشد که گویا منشأ و مبدأ این میوه بهشتی نیز در همین شهر باستانی هرات بوجود آمده است و از اینجا به نقاط دیگر برده شده است.

چنان که اندر تواریخ نبشته اند « در زمانهای قدیم در هرات پادشاهی به نام شمیران می زیسته که از خویشان جمشید شاه بوده است. وی پسری داشت که نام او « بادام » بود. وی « سخت دلیر و مردانه و بازور بود و در آن روزگار تیراندازی چون او نبود. روزی شاه شمیران که با بزرگان و پسرش گرد هم اجتماع کرده بودند ناگهان « همایی (۱) بیامد و بانکه بر می داشت و برابر تخت شاه به زمین نشست » و ماری برگردن این پرنده

۱- هما مرغی بوده است که آریائیان آنرا قره ایزدی پنداشته مقدسش می داشتند.

افسانوی حلقه زده بود. پادشاه از حضار خواست تا این مار را به هر طریقی می‌شود از گردن‌ها بره‌اند. فرزند شاه با تیری «سر مار را به زمین بدوخت و به همای هیچ‌گزندی نرسید». سالی از این واقعه گذشت و در روزی که شاه شمیران با کسان خود گرد هم نشسته بود، باز همان مرغ بلند پرواز ظاهر گشت و پس بر زمین آمد و در همانجا که مار را تیر زده بودند «چیزی از مقدار به زمین نهاد و بانگی چند بکرد و بپرید، شاه که از دیدار‌ها به یاد سال گذشته افتاده بود که چگونه این پرنده را از سر مار نجات داده بود گفت، این پرنده زیبا «مار را تحفه آورده» و «دو سه کس برفتند» و دانه‌های انگور را دیدند که هما آن پرنده قشنگ و قوی - پنجه در همانجائی که مار کشته شده بود به جای گذاشته است. شاه پس از مشوره با وزیران و کسان خود، دستور داد این دانه‌ها را بکارند. بعد از مدتی که از کاشتن حبه انگور گذشت، تاک انگوری سبز شد و میوه داد. به قول خیامی «آن باغ که در توخم انگور بکشند هنوز برجاست آن را «بهر اغوره» می‌خوانند و بر در شهرست و چنین گویند که نهالی انگور از هرات به همه جهان پراکند» (۱)

و به قول عمرالخیامی «شراب انگوری (که) غم را می‌برد و دل را خرم کند و تن را فر به. و نیز بخیل را سخی و بد دل را دلیر می‌نماید، مورد توجه شاه شمیران قرار گرفت و دستور داد تا «شراب خوردن و بزم نهادن آیین آورد، و بعد از آن هم از شراب رودها بساختند و نواها زدند» (۲) بنابراین: انگور در هرات بوجود آمده و نیز شراب هم از همین میوه برای نخستین بار در هرات درست شده بود یعنی شاه شمیران همانطوریکه در ترویج زرع و کشاورزی این میوه علاقه‌مندی از خود نشان داد در کشیدن مایع شراب از این میوه نیز مساعی به خرج داده بود. تربیت و اصول کشت انگور و پرورش آن نیز در هرات همواره مورد توجه کشاورزان قرار داشته و چنانچه صاحب

۱- نوردونامه از کلیات رباعیات عمرالخیامی، ص ۳۸.

۲- همان کتاب بالا، ص ۳۸۳.

ارشادالزراعه بعد از آنکه راجع به غرس و پرورش تالك و انگور توضیح ممتعی می دهد گوید : « از منتصف فروردین ماه جلالی تا منتصف اردیبهشت ماه رز را آب دهند يك نوبت و در وقتی که انگور چیده باشند يك نوبت دیگر به شرطی که پر آب شود بار بسیار آورد در این ماه را بکولند خاصه در موضعی که آب کمتر باشد تا نمی که در زمین است متوجه عروق رز گردد و آن را سیراب نگاه دارد .

« از منتصف خرداد تا منتصف تیر ماه دیگر باره رز را بکولند و در کولیدن مبالغه نکنند و به عمق زمین بسیار در نزنند و بیخ درخت را چنان خالی نکنند از خاک که حرارت آفتاب در عروق آن تأثیر کند . »

« از منتصف مرداد ماه تا منتصف شهریور اهل فلاحه در این ماه تا کی که جهت نشانیدن خواهند برید ، نشان کنند به این طریق که قیر در روغن بگذارند و آن تالك را به آن روغن چرب کنند تا حرارت و برودت و باران ضرری به آن نرسد و چون وقت رسیدن تالك را بر نند و بنشانند . » (۱)ع.

در مورد خاکی که برای کشاورزی تالك انگوری مساعد است صاحب ارشادالزراعه چنین می نویسد : در زمین سیاه رنگ بذر در آن به تمام سبز می شود و آب بسیار نمی خورد و محصول آن نيك نمی شود فاما درخت و تالك در زمین مذکور خوب روش می کند و خوب می شود « در زمین سنگ چال » و چون در این تالك کارند خوب می شود و شرط انگوردادن تالك در زمین مذکور آن است که هر ساله انبار کلی دهند که محصول نيك دهد . » (۲)ع.

صاحب ارشادالزراعه گوید : « رسیدن انگور از اول سرطان (اول تیر ماه) است تا آخر سنبله ، (آخر مهر) و اسامی انگور بی نهایت است اما آنچه در بلوکات مذکور ، در چهارباغی که خدام آن عالیجاه نقابت پناه مخدومی ولی النعمی مدظله العالی در قریه غیزان از بلوک آلتجان که نشانه ای است از باغ جنان ساخته و به گلهای رنگارنگ ریاحین و درختان میوه دار و درختان دیگر که سرو و صنوبر

۱- ارشادالزراعه ، ص ۷۶ .

۲- ارشادالزراعه ، ص ۵۶ .

و پید و چنار و سفیددار ، چمن چمن ، جدا نموده ، به هر جانب يك تخمه انگور ، رشك رخسار جور ، رسانیده اند كه عقل عاقلان و دیده بینایان در آن حیران است . صدنوع انگور واقع است و شبهه نیست و التفصیل هذا : خلیلی : از حسینی كه دانه وی كلان و سیاه تر است .

سرخك كه دانه وی خرد است . راوچه ، پیدانه ، فوشنجی ، بورانی ، شاه انگور ، آبی بلوچی ، نخشبی ، خواجه برانداز ، صاحبی ، یاقوتی ، لعل گل برطشت ، ترباشنگ ، فخری ، جامی ، ملاحی ، سنگینك ، امیری ، مكه ، رسمی زرد ، پستان میش ، خایه كبك ، خایه خروس ، رازقی ، ریش فرعون ، شكوك یا شكوچه ، فراجاوه ، سیاه سر كه ، گلاب انگور ، استر آبادی ، شیخ علمی ، كوهی ، علانی ، دارائی ، سمرقندی ، علی لماکی ، بهشتی ، علانی بخاری ، انگشت عروس ، میان سرائی ، سیاه پشتی ، طایفی ، سرخچه ، سفیدچه ، دیده گاو ، شلجمی ، ترشیزی ، رئیس ترشیزی ، سبزك ، خالانار ، كاخکی ، غوره شیرین ، دل كبوتر ، قیمتی ، سرخ قندزی ، سرخ حصاری ، سرخ گرد ، نازك قندزی ، زرد خرد ، زرد بلند قد . نار انگور ، شیرخانی ، ابرش ، عادلی ، سیاه ، گردن کوتاه ، آب آورد ، سرخل ، باخرزی ، بچك ، جوزانگور ، خیارانگور ، ابراهیمی ، چشم مژه ، بلخی ، حسینی ، نام سرخ ، اندخودی ، محمودی ، گندمانی ، شاهانی ، بقرانی قائن ، جلادی قائن ، خیزی قائن ، قلم انگور ، خرمانگور ، قندهاری . يك نوع دیگر آن كه عسگری گفته می شود پوست خیلی نازك دارد .

خایه غلامان ، ریش بابا ، این سه نوع را صاحب ارشاد الزراعه ذكر نكرده است . (۱) از مطالعه كتاب ارشاد الزراعه بخوبی آشكار می شود كه اهالی باستان به روش صحیح و درست كشاورزی آشنا بوده اند و طرز شخم زدن و شیار كردن انواع خاكهای مزروع را در فرصت های مناسب خوب می دانستند . و در تشخیص اوقات آبیاری ، و بكار بردن كودهای حیوانی مسلماً دارای معلومات وافیه و كافی بوده اند . و از همین جهت است كه مردم این سرزمین همواره در كمال رفاه و آسایش زندگانی می كرده اند و با داشتن تمام وسائل و شرایط كشاورزی ، پبای خود ایستاده بودند و هیچگاه ضرورت و التزامی نداشتند كه از دیگر نواحی و مناطق دوردست مددویاری بجویند .